

نشریه الکترونیکی کمیته
بین المللی علیه اعدام

علیه اعدام ۵۱

۷ آذر ۱۳۸۵ ۲۸ نوامبر ۲۰۰۶

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

[Www.adpi.net](http://www.adpi.net)

Tel:0046733684151

babakshadidi@yahoo.com

سر دبیر: بابک شادیدی

حاجیه اسماعیل وند در آستانه آزادی

مروری بر یک جنبش گسترده و
موفق جهانی

در دفاع از حاجیه اسماعیل وند

زندگی و آزادی حاجیه، مدیون یک جنبش جهانی علیه سنگسار است. اسم حاجیه برای بسیاری در دنیا آشنا است. بویژه برای کسانی که چندین روز و چند هفته در ماه دسامبر ۲۰۰۴ برای نجات حاجیه تلاش بی وقفه ای را انجام دادند. خبر حکم سنگسار حاجیه را من از یک دوستی از ایران گرفتم. اوایل دسامبر سال ۲۰۰۴ بود و گفته شد که دوهفته دیگر این زن ساکن جلفا سنگسار میشود. فوراً کمپین نجات حاجیه اعلام شد و کار فشرده و تمام وقت فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته علیه سنگسار و سازمان آزادی زن در اقصی نقاط جهان آغاز شد.

طومار اعتراض به حکم سنگسار را با چنان سرعتی امضا میکردند که برای خود ما بی سابقه بود. چند هزار نفر در چند روز اسامی خود را با متن های کوتاهی اعلام کرده و خود را آماده نبردی مهم برای نجات جان حاجیه از سنگسار اعلام کرده بودند. دفتر مرکزی کمیته بین المللی علیه سنگسار و سازمان آزادی زن در طول این چند روز با تلفنهای متعدد، با ابراز علاقه به کمک به حاجیه و با مصاحبه های متعدد با رادیو و

صفحه ۷

انعکاس کنفرانس مطبوعاتی در اتحادیه اروپا علیه سنگسار



http://www.aviva-berlin.de/aviva/content_Women%20+%

صفحه ۲

کنفرانس مطبوعاتی که به دعوت نمایندگان پارلمان اروپا و با حضور آنتونین مادلین نماینده فدراسیون بین المللی حقوق بشر و فلک ناز اوجا نماینده پارلمان اروپا از هیئت پارلمانی آلمان و مینا احدی از کمیته بین المللی علیه سنگسار برگزار شد، در مطبوعات و رسانه های متعددی انعکاس داشته است. در اینجا ترجمه چند مطلب و لینک منابعی که در اینترنت در این مورد بدست ما رسیده است را به اطلاع میرسانیم: مطلبی را در نشریه اینترنتی زنان بنام آویوا برلین به اطلاع میرسانیم.

کمیته بین المللی علیه سنگسار

به رئیس پارلمان اروپا به نمایندگان پارلمان اروپا

حکومت اسلامی ایران در انتظار اجرای احکام سنگسار هستند. ۱۲ نفر طبق اطلاعاتی که موکلان این محکومین اعلام کرده اند، در خطر اجرای احکام سنگسار هستند و باید فوراً برای نجات آنها اقدام کرد. اسامی محکومین به سنگسار عبارتند

صفحه ۹

جمهوری اسلامی ایران قصد سنگسار ۱۰ زن و دو مرد را دارد. در حالیکه مقامات حکومت اسلامی در سال ۲۰۰۲ به کمیسیون پاتن از طرف اتحادیه اروپا قول ملغی کردن احکام سنگسار و عدم اعلام احکام جدید سنگسار را دادند، سنگسار ها در ایران ادامه دارد. هم اکنون تعداد زیادی در زندانهای

صفحه ۲

پرونده شهلا جاهد برای سومین بار به شورای تجدید نظر ارسال شد



طبق اخباری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده است، پرونده شهلا جاهد برای بررسی مجدد به شورای تجدید نظر ارسال شده است. این پرونده برای سومین بار در اختیار پنج قاضی قرار گرفته است و شاهرودی اعلام کرده است، این پنج نفر باید با دقت بیشتری پرونده را بررسی کنند.

علت اینکه پرونده شهلا جاهد برای بار سوم، و برای پنج قاضی باز پس فرستاده میشود تا تحقیقات جدی تری را در مورد این پرونده انجام دهند، فقط و فقط اعتراضات گسترده مردم در ایران و در دنیا به حکم اعدام شهلا جاهد است.

شهلا جاهد که امروز یکی از معروفترین چهره ها در ایران و تا حدودی در دنیا است. شهلا جاهد که عکس و سرگذشت او در دنیا وسیعاً توزیع شده است. شهلا جاهد که زندگیش تا همین امروز، مدیون یک جنبش جهانی گسترده علیه اعدام است، امید به زندگی را باز می یابد

اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

از صفحه ۱

و بی صبرانه در انتظار لغو رسمی و علنی حکم اعدام خود است. شهلا یک شاعر و هنرمند است، او در گوشه زندان اوین خواهان تعیین تکلیف پرونده خود است. او معتقد است که بلا تکلیفی و روز و شب را به فکر طناب دار بودن، از این زندانیان جز ارواحی سرگردان برجای نمیگذارد. زندانیانی که سالهای سال با کابوس طناب دار و مرگ دست و پنجه نرم میکنند، شوق به زندگی

را کاملاً از دست داده و عمیقاً روح و روان آنها آسیب می بیند. شهلا و بسیاری از زندانیان محکوم به اعدام، از افکار عمومی بین المللی و از نهادهای مدافع حقوق بشر درخواست کرده اند که به این اوضاع غیر انسانی و به این بلا تکلیفی و زجر کش شدن اعتراض کنند. نامه اعتراضی چندین زن محکوم به اعدام و فریاد استمداد خانواده های این زندانیان، نمونه دیگری از دادخواست و کیفرخواست این قربانیان بر علیه وضعیت

دردناکی است که با آن دست و پنجه نرم میکنند. شهلا و دیگرانی که در زندانهای جمهوری اسلامی ایران با خطر مرگ و اعدام روبرو هستند، در عین حال یک نور و یک امید را در دلهای خود زنده نگه داشته اند. آزادی و از سر گرفتن یک زندگی نرمال. آنها میدانند که به یمن یک جنبش جهانی و رادیکال و انسانی، اکنون بسیاری از این محکومین و از جمله شهلا و کبرا و نازنین و فاطمه و ... چهره های معروفی هستند که در مورد آنها فیلم ساخته میشود و سرگذشت آنها در دنیا وسیعاً مورد توجه قرار میگیرد.

این جنبش جهانی و این اعتراضات میروند که جان شهلا را نجات دهد. شهلاهی که تا کنون دوبار تا پای چوبه دار رفته است. اکنون شاهرودی گفته است که پرونده شهلا برای وقت بیشتر و بررسی سه باره در اختیار پنج قاضی قرار میگیرد. کمیته بین المللی علیه اعدام عقب نشینی جدید حکومت اسلامی در این پرونده را به رسمیت شناخته و اعلام میکند که باید کاری بکنیم که حکم اعدام شهلا جاهد ملغی شده و حکومت اسلامی ایران بطور قطعی در این مورد زانو بزند. حکم اعدام شهلا جاهد باید فوراً ملغی شود.

دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام مینا احدی

تلفن:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴

۱۳

ای میل:

minaa-hadi@aol.com

سایت کمیته:

www.adpi.net

از صفحه ۱

مدافع حقوق انسانی مینا احدی

از دانیلا بسه ر

مینا احدی تبعیدی ساکن آلمان برای حقوق زنان در کشورهای اسلام زده مبارزه میکند. او بر علیه اعدام و سنگسار و خشونت علیه زنان مبارزه میکند و در مورد اسلام سیاسی هشدار میدهد

مینا احدی پنجاه ساله برای حقوق زنانی که از قوانین و سنتهای اسلامی زیر فشار هستند، مبارزه میکند. بخش مهمی از فعالیتهای او بعنوان مدافع حقوق انسانی و مدافع حقوق زنان، بر علیه سنگسار است. سنگسار در کشوری نیز که او از آنجا آمده است، کماکان اجرا میشود.

در سال 2001 او کمیته بین المللی علیه سنگسار را سازمان داده است. این شبکه کمپین های گسترده جهانی را بر علیه سنگسار سازمان میدهد و در همه دنیا برای آمارگیری احکام سنگسار و افشاکاری بر علیه آن فعالیت میکند. مینا احدی مردم را به اعتراض و تظاهرات بر علیه این رفتار وحشیانه دعوت

میکند و از همگان میخواهد نامه اعتراضی بنویسند، و خود او خستگی ناپذیر در میتینگها و تظاهراتها سخنرانی میکند. به این شبکه جهانی 177 نهاد و سازمان وصل هستند. در کشورهای مختلف، واحدهای کشوری هستند که با شبکه جهانی علیه سنگسار همکاری و فعالیت کرده و مبارزه علیه سنگسار را به پیش میبرند.

هدف این فعالیتها اینست که قانون سنگسار در همه جا ملغی شود. بسیاری از زنان بدلیل این فعالیتهای گسترده و دائمی نجات پیدا میکنند. مینا احدی در سازمانهای بزرگ مدافع حقوق انسانی همیشه گوشهای شنوایی پیدا میکند. احدی به دولتهای غربی اعلام میکند که باید فشار بیشتری را بر کشورهای اعمال کنند که در آنجا کماکان سنگسار وجود دارد. "اتحادیه اروپا باید بخواهد قوانینی را که به سنگسار رسمیت میدهند و آنرا امکانپذیر میکنند، فوراً لغو شوند. مینا احدی برای دفاع از حقوق زنان در ایران فعالیت میکند. چرا که برابری از نظر اسلامیون، به معنی حقوق برابر در سنگسار است که حتی در

این موارد هم برابری رعایت نشده است!

چرا که در سنگسار زنان را تا سینه در خاک فرو میکنند، و مردان را تا کمر و یا زانو، در این حالت مردان امکان فرار از این نوع مرگ وحشتناک و زجر آور را بیشتر از زنان دارند. برای زنان که تا سینه در خاک فرو برده شده اند، امکان فرار هم بسیار کمتر است.

احدی میگوید که بیشتر قربانیان این نوع رفتار وحشیانه و این انواع زجر کش کردن به شیوه وحشتناک و غیر قابل تصور، زنان هستند. زنانی که بدلیل قوانین اسلامی و شریعه، کوچکترین حقی در دفاع از خود و نجات یافتن از این مجازات را ندارند.

زنان بدلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج به سنگسار محکوم میشوند، حتی زنانی که با اجبار همسران خود، تن فروشی میکنند، نیز جزو قربانیان سنگسارها هستند.

مینا احدی به سیاستی که با این جنایات کنار می آید، انتقاد شدیدی دارد. "هیچکس نباید با سنتها و یا قوانین ضد انسانی کنار بیاید، هیچکس نباید با فرهنگها و یا مذاهب ضد زن تولرانس داشته باشد"

تولرانس با اسلام سیاسی و فوندامنتاریسم، باعث قویتر شدن اینها در آلمان نیز بشود. او با این افکار و فعالیتها، در شرایط خطرناکی زندگی میکند. این فعال سرشناس بین المللی و این منتقد جدی اسلام سیاسی بطور دائم نامه های تهدید آمیز دریافت میکند.

مینا احدی اخیراً در پارلمان اروپا، روز 21 نوامبر در بروکسل سخنرانی کرد و گفت: تنها در ایران 10 زن و 2 مرد در انتظار اجرای احکام سنگسار هستند.

آمار محکومین به سنگسار به نظر او، در ماههای اخیر بیشتر شده است. مینا احدی در ایران متولد شده و اکنون شهروند اروپا است. مینا احدی با همسر و دو دخترش در کلن آلمان زندگی میکند.

مطلب دیگر که در "روزنامه چپ" به تاریخ 21 نوامبر چاپ شده است:

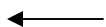
<http://linkszeitung.de/content/view/68961/45/>

موقعیت حقوق انسانی در ایران بدتر شده است!

12 نفر زندانی را در ایران سنگسار تهدید میکند.

روکسل PPA: "سنگسار یک رفتار وحشیانه و تحقیر آمیز علیه انسانها است"، اینرا نماینده پارلمان از حزب چپ آلمان پ.د.اس، فلک ناز اوجا در یک کنفرانس مطبوعاتی در پارلمان اروپا میگوید. این کنفرانس به مناسبت روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان است. او در بروکسل یادآوری میکند که هنوز هم در 68 کشور دنیا اعدام وجود دارد و احکام اعدام اجرا میشود. او این مسئله را غیر قابل تحمل میدانند و خواهان ملغی شدن اعدام در همه دنیا است.

آنتونین مادلین از فدراسیون بین المللی حقوق بشر در این کنفرانس مطبوعاتی و در مقابل نمایندگان رسانه ها اعلام میکند که "اکنون با بدتر شدن شدید، موقعیت حقوق بشر در ایران مواجه هستیم" در کارنامه این دولت، شکنجه و رفتار غیرانسانی با مخالفین حکومت را شاهد هستیم. ایران در کنار پاکستان، جزو معدود حکومتهایی است که هنوز هم اعدام نوجوانان و





توهین نمیدانیم، بلکه از انتشار این آثار و این برنامه‌ها در نقد اسلام و مذهب و حجاب اسلامی کاملاً استقبال میکنیم. فراخوان ما به مردم در آلمان و در آذربایجان اینست که اعتراض کنید. به این باندهای تروریست و انسان ستیز اعتراض کنید. از آزادی بیان و عقیده دفاع کنید. عدم عکس العمل گسترده و مستمر ما، دست اسلامپها و دولت‌های اروپایی که با آنها کرنش میکنند را باز میکند که بشریت را چند گام به عقب برانند و دستاوردهای انسانی و مدرن را باز پس بگیرند.

متحدانه به میدان بیایید و جریانات اسلامی را به عقب نشینی وادار کنید. "رفیق تقی" نویسنده و "سمیر صداقت اوغلو" سردبیر نشریه صنعت باید فوراً آزاد شوند و دادگاه علیه یورگن بکر فوراً ملغی شود.

مینا احدی هماهنگ کننده کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار
۱۷ نوامبر ۲۰۰۶

کنند. هیاهو و جار و جنجال حکومت اسلامی و دولتهای تروریست اسلامی و جار و جنجال مزدورانی که در خیابانها عربده میکشند و انسانیت را نشانه میروند باید با بیشترین عکس العمل روبرو شود. مردم آلمان! مردم آذربایجان! مردم همه نقاط دنیا!

حملات اسلامی‌ها به پایه‌های سکولاریسم و آزادی بیان به همه ما مربوط است. جنبش اسلامی برای قدرت گرفتن و برای در قدرت ماندن از هر وسیله‌ای استفاده میکند. اینها با این فضا سازی و ایجاد وحشت، دارند باج سیاسی میگیرند. تروریسم اسلامی از این طریق از قدرت خود و برای بقای خود تلاش میکند. مهم اینست که هیچکس نباید مرعوب این باندهای ضد انسانی شود! جنبش سیاه و انسان ستیز اسلامی از این طریق دارد به آزادی بیان و آزادی نقد و آزادی انتقاد از مذهب حمله میکند. ما نه تنها این گفته‌ها را

تحریک شده در آذربایجان، همراه با "سمیر صداقت اوغلو" سردبیر نشریه صنعت به زندان کشانده شد. مقامات حکومت اسلامی از سفیر جمهوری آذربایجان خواسته اند که دولت آذربایجان باید بدلیل این توهین از "مسلمانان" معذرتخواهی کند؟! در آلمان باندهای اسلامی و جریانات مدافع ترور و قتل ناموسی و زن ستیز لحظاتی بعد از پخش برنامه یورگن بکر از تلویزیون، فوراً عکس العمل نشان داده و با اعلام سیاست نخ نمایی "ما ناراحت شدیم" شروع به اجرای یک کمپین جدید باجگیری سیاسی کردند. یورگن بکر را میخواهند به دلیل این حرف و این برنامه کمدی به دادگاه کشانده و با این تقلاها میخواهند آشوبهای ناشی از مسئله کاریکاتورها را که باعث شد ترس و وحشت بیشتری در دنیا ایجاد کرده و جلوی دهانتها را در نقد اسلام سیاسی و این جنبش سیاه و انسان ستیز بگیرند، مجدداً تکرار

سفری به دنیای نازنین‌ها



کمیته بین المللی علیه اعدام
www.adpi.net



کمیته بین المللی علیه اعدام
www.adpi.net



کمیته بین المللی علیه اعدام
www.adpi.net

یک روز اما همه چیز عوض شد. یک روز غمگین پاییزی، یک روز دردناک، یک روز فاجعه انگیز. سه مرد که خیلی از من و سمیه بزرگتر بودند، به ما حمله کردند. باید کاری میکردم، باید سمیه را حفظ میکردم، سه سال از من کوچکتر بود. هر چه در توان داشتم کردم، فرار کردیم و باز هم دنبال ما آمدند، وقتی شروع به لخت کردن سمیه کردند، دیگر طاقت نیاوردم، و در نهایت یک

ترسیدم. من جوانی سبکیال بودم و زندگی را دوست داشتم. تجربه کردن را، دوست داشتن و عشق ورزیدن را، و این قفس به نام زندگی برای من بسیار تنگ بود. در همان اوضاع، با همان فقر و نداری، سعی میکردم بیرون برم، دوست داشتم باشم و کمی در بیرون از خانه دیگران را ببینم و زندگی را تجربه کنم، زندگی بیرون از چهار دیواری سرد و مشکل دار و غمگین و عجیب زندگی ما.

خواندن بسر ببرم. در عمل میدانید چه شد. از کلاس دوم چون زندگی ما نمی چرخید، اجازه مدرسه رفتن از من گرفته شد. خانه نشین شدم و باید به مادرم کمک میکردم. خانواده پرجمعیت ما زیر بار فشار مالی خرد شده بود و کم کم دریافتم که مادرم در جوانیش، زن عموی من بوده و با مرگ او مجبور شده با برادر او ازدواج کند. از این حرفها بدم می آمد از این سرگذشت عذاب می کشیدم. و کم کم هر چه بیشتر دنیا را شناختم از آن بیشتر می

وقتی بچه بودم، دنیا زیر پای من بود. محبت و علاقه از در و دیوار خانه می بارید و من فکر میکردم دنیا همین است که تجربه میکنم. مادرم و پدرم، خانواده بزرگ ما در سنج و در کردستان، بازپها و مهمانیها و لباسهای رنگارنگ، دوره کودکی مرا میساخت. کمی که بزرگتر شدم، اتفاقاتی می افتاد و موضوعاتی پیش می آمد که از دنیا زیاد خوشم نمی آمد. پدرم کارگری بود که بدنبال کار به کرج کوچ کرده و در اینجا نیز نه کار دائمی پیدا میکرد و نه تامینی. بیماری او در اثر کار سخت، ما را با بن بست کامل روبرو کرده بود. کم کم هر چه بیشتر دیدم و شنیدم، از این زندگی بیشتر ناراضی بودم. من این جوانی سبکیال و آزاد بودم. من این حرف را که دختر کمتر از پسر است هیچوقت قبول نداشتم. من دوست داشتم، درس بخوانم، شعر بخوانم، بازی کنم و در پارتنی و رقص و آواز

نفر به قتل رسید. اینها بزرگترین شوک در زندگی من بود. و من در یک دادگاه فوری با شنیدن صدای کلفت یک مرد، شنیدم که به اعدام محکوم شده ام.

امروز در کنج زندانی اسپرم که هیچگاه فکرش را نکرده و یا حتی اسمش را نشنیده بودم. میتوانی تصور کنی این یعنی چه؟ میتوانی یک لحظه جایی من و ما باشید و به این نقطه برسید، که با شما از کلمه وحشتناک و سنگین اعدام حرف بزنند. این کلمه را هم قبلاً زیاد نشنیده بودم. اولین بار که گفتند به اعدام محکوم میشوم، این کلمه در گوشه‌هایم مثل پتک صدا کرد. مادرم را میخواستم و دلم میخواست زیر چادر او قایم شده و به خانه بروم. فکر میکردم شاید خواب می

بینم.

من آن زمان ۱۷ ساله بودم. من جوان سبکبال عاشق زندگی و دوست داشتن.

در آینه خودم را نگاه میکنم و از آینده خودم وحشت میکنم. از طناب و کلمه طناب می ترسم، از چوبه دار که ریشه به جانم می اندازد و از دیدن قیافه‌هایی که با کمال خونسردی افراد را برای اجرای اعدام همراهی میکنند و از صدای پای اینها قلبم در حال ایستادن است.

من جوان سبکبال و عاشق زندگی، در زیر زمینی محبوس هستم که دیگر طاقت آنرا ندارم. راه حل چیست؟

قرص میخورم، مسکن‌های قوی که فراموش کنم اسم چیست، کی هستم و زندگیم چه شد و بخصوص

فراموش کنم کجا هستم و قرار است چه بشود.

بارها به مادرم زنگ میزنم و میگویم فردا دادگاه است، بیامیخواهم بیاید و بغلم کند. البته اینرا هم از ما و من دریغ میکنند. یک هفته باید کار مجانی بکنم تا اجازه یک ملاقات حضوری با مادرم را داشته باشم.

من فکر میکنم هنوز بچه هستم. من هنوز احتیاج به محبت مادرم دارم، من هنوز وقتی پدرم به اینجا می آید به گردنش آویزان میشوم و میگویم تو که قوی هستی، مرا با خودت ببر!

من نازنین فاتحی هستم. نازنین‌هایی از آنسوی دیوار برای نجات من تلاش میکنند، این تنها روزنه امید من به آینده است. بارها به اسامی اینها که مادرم میگوید و سلام آنها را به من میرساند فکر میکنم. اینها چه کسانی

هستند که برای نجات ما و من تلاش میکنند. اینها نوری در تاریکی هستند و من سعی میکنم به این نور خیره شوم. از همه شما میخواهم کمک کنید من از این وضع میترسم. من از طناب و اسم آن وحشت دارم.

کمک کنید جان نازنین‌ها را نجات دهیم.

مینا احدی

۱۶ نوامبر ۲۰۰۶



حمایت شرکت کنندگان در کنسرت خوانندگان ایرانی از مبارزه برای لغو مجازات اعدام!

سارا نخعی

بودیم و احساس میکردیم از یک اکسیون بزرگ و موفق علیه اعدام برمیگردیم. اکسیونی که برگزارکنندگان ما دو نفر بودیم و جمع کثیری از ایرانیان آزادی خواه که به شکلهای مختلف ما را مورد پشتیبانی قرار دادند. شعار دادیم نشریه و اطلاعیه پخش کردیم و امضای و کمک مالی جمع کردیم. احساس خیلی خوبی بود احساس شریک بودن در تلاش برای دنیایی شاد و انسانی و دنیایی عاری از اعدام و هر گونه خشونت و تلاش برای یک دنیای بهتر.

سارا نخعی

فعال حزب کمونیست کارگری

ایران

۱۹ نوامبر ۲۰۰۶

پیش آمد این بود که دختر جوانی جلو آمد و با انداختن پول به صندوق گفت: من کمک میکنم ولی طومار را امضا نمیکنم چون از ابرام آمدم و مهمان هستم و میترسم ولی قول میدهم وقتی به ایران برگشتم بگویم که در خارج از کشور با چه شور و حرارتی علیه اعدام فعالیت میکنید چون این خبرها به خیلی‌ها نمیرسد. فرد دیگری میگفت با شنیدن این شعارها در میان این جمع ایرانی احساس میکنم در ایران هستم. یک جوان سوئدی جلو آمد و پرسید: تو چه می‌گویی که مردم در این صندوق پول می‌اندازند؟ من نوشته روی صندوق را به او نشان دادم و او تکه کاغذی را داخل صندوق انداخت بعد که صندوق را باز کردیم متوجه شدیم که آن تکه کاغذ بلیط یک کنسرت سوئدی است.

به نظر من دوستان بدری آن شب یک شب خوب و بیادماندنی بود. وقتی به خانه بر می‌گشتیم هر دو با اینکه نزدیک به سه ساعت در هوای سرد سرپا ایستاده بودیم نه تنها احساس خستگی نمی‌کردیم بلکه قلباً خوشحال

صافی را که تشکیل شده بود و هر لحظه هم به آن اضافه میشد چندین مرتبه طی میکردم و بادادن شعار علیه اعدام و گرداندن صندوق کمک مالی و همچنین جمع آوری امضاء علیه اعدام، مردم را به شریک شدن در این تلاش مهم و انسانی دعوت میکردم و همزمان بدری صفایی به پخش نشریه و اطلاعیه مشغول بود. صف انتظار این فرصت را فراهم کرد مردم با فعالیتهای کمیته علیه اعدام بیشتر آشنا شوند و در این مورد کنجکاوای کنند. برخوردها خیلی خوب بود، مردم با امضای طومار و ریختن پول به صندوق احساس نفرت خود را از عمل شنیع اعدام نشان میدادند. برخوردهای جالبی پیش آمد که بازگو کردن بعضی از آنها خالی از لطف نیست.

بعضیها مینا احدی را می‌شناختند و با فعالیتهای او آشنا بودند. یکی از من پرسید: مینا همان کسی نیست که با نازنین افشین جم فعالیت میکند؟ من گفتم بله نازنین هم از فعالین علیه اعدام است. برخورد جالب دیگری

بعد از ظهر روز شنبه ۱۸ نوامبر ابی و منصور برای اجرای کنسرت در شهر استکهلم حضور داشتند و من و یکی از دوستان حزب بنام بدری صفایی به قصد افشاگری علیه مجازات اعدام در ایران و جمع آوری امضاء و کمک مالی علیه مجازات اعدام بمحل کنسرت رفتیم. از آنجایی که در داخل سالن اجازه پخش و جمع آوری کمک مالی را نداشتیم کار خود را از بیرون نزدیک درهای ورودی شروع کردیم. هوا نسبتاً سرد بود ولی با وجود پوشش مناسب سرما اذیت کننده نبود. درهای ورودی سالن کنسرت ساعت ۸ باز میشد و ما قبل از باز شدن درها در محل بودیم. در ابتدا جمعیت زیاد نبود ولی بمرور بر تعداد جمعیت اضافه شد و صافی طولانی در پشت درهای ورودی سالن تشکیل شد و فرصت خوبی فراهم شد که کمیته بین المللی علیه اعدام را معرفی کنیم و آن وقت بود که اوج کار ما شروع شد. من طول

اعدام ده نفر در اهواز فوراً
اعتراض کنید.

**نامه سرگشاده به وزارت امور خارجه کشور آلمان
به احکام اعدام ده نفر در اهواز فوراً اعتراض کنید!**

جمهوری اسلامی ایران، بی وقفه
در حال اجرای احکام اعدام است و
در نظر دارد ده نفر را در همین
روزها در اهواز اعدام کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
20 نوامبر 2006
www.adpi.net
تلفن تماس:
00491775692413

کمیته بین المللی علیه اعدام خواهان
عکس العمل فوری دولت آلمان در
این مورد و بطور مشخص اعتراض
وزارت امور خارجه بر علیه این
احکام اعدام است.
ما از اشتاینمایر وزیر امور خارجه
خواهان عکس العمل فوری در این
مورد و همچنین خواهان یک نشست
رسمی برای صحبت در مورد بقیه
موارد اعدامها در ایران هستیم.

روز یکشنبه 19 ماه نوامبر پنج
جوان در مینودشت در ایران در ملا
عام اعدام شدند. و روزی نیست که
احکام اعدام بر علیه زنان و مردان
و کودکان اعلام نشود.
هم اکنون وکلای این ده نفر محکوم
به اعدام در اهواز و خانواده های
آنان به این احکام اعتراض کرده و
خواهان بررسی مجدد پرونده و
پخش آن از تلویزیون و یا برگزاری
علنی دادگاه هستند.

جمهوری اسلامی ایران را باید تحت
فشار گذاشت تا این ماشین جنایت و
قتل عمد دولتی متوقف شود. به احکام

باید احکام سنگسار آنها را فوراً متوقف کنیم!

کمیته بین المللی علیه سنگسار و اعدام برگزار می کند:

چگونه این دوازده نفر را از خطر اجرای حکم سنگسار نجات دهیم؟
دوازده نفر پس از سپری کردن حکم زندان، بر اساس قوانین کیفری قرون وسطایی جمهوری اسلامی سنگسار خواهند شد. به نجات جان آنها بشتابیم!

سخنرانان:

مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار
نماینده سازمان عفو بین الملل
مهبین علیپور از سازمان آزادی زن
« Ewa Larsson از حزب سبزها »

سه شنبه ۲۱ دسامبر ساعت ۳۰/۱۶

ABF/ Stockholm/ Sveavägen 41

Katasalen plan 1

توجه؛

راس ساعت ۳۰/۱۶ سمینار با اجرای برنامه تئاتر با هنرنمایی بازیگران تئاتر شهر استکهلم آغاز میگردد.
«عیسی وندی» با حضور کارگردان فیلم «رقص زیر ملافه سفید» پس از سخنرانی ها نمایش فیلم
سپس سمینار با گفت و شنود ادامه می یابد.

تلفن تماس برای اطلاعات بیشتر
076-206 49 95 افسانه وحدت؛

از صفحه ۱

تلویزیونها بشدت مشغول بود. از فرانسه یک خانواده 11 نفره اسامی خود را برای دفاع از حاجیه به ما میدادند و از تکزاس یک زن و شوهر هفتاد و هفتاد و سه ساله به ما زنگ زده و میگفتند هر کاری از دست ما برمی آید به ما بگوئید. از ایران افراد فامیل فروغ فرخزاد با ما تماس میگرفتند و از سوند نماینده پارلمان و عضو کمیته علیه سنگسار. ما برای ملاقات با نمایندگان پارلمان اروپا تلاش میکردیم و همزمان مشغول سازماندهی میتینگ و تظاهرات در برخی از کشورها بودیم. کمپین نجات حاجیه یکی از گسترده ترین و بهترین کمپین ها بر علیه سنگسار بود که با تلاش شبانه روزی صدها نفر به پیش رفت. خبر را ما علنی کرده بودیم و رادیو فردا با پخش یک گزارش چنین گفت:

«تائید حکم سنگسار حاجیه توسط يك مسنول قضایی، گزارش رادیو فـردا»
و نقش برجسته حزب کمونیست کارگری ایران در افشای خیر در سطح بین المللی

در طول چند روز اطلاعاتی های متعددی توزیع شد:

در اینجا به بخش کوچکی از این فعالیتها و سر تیترا این فعالیتها که در صفحه ویژه روزنه www.rowzane.com توجه کنید:

بر طبق خبر منتشر شده در روزنامه آفتون بلادنت در سوندامروز ۲۲ دسامبر، جمهوری اسلامی زیر فشار جهانی مجبور شد حکم اعدام حاجیه را به تعویق اندازد!! روزنه مشروح خیر را بزودی انتشار خواهد داد و همینجا این پیروزی اولیه را به فعالین به سازماندهندگان کمپین نجات حاجیه تبریک میگوی!

گفتگوی رادیو انترناسیونال با مینا احدی
جمهوری اسلامی عقب نشست،
حاجیه نجات یافت

ما بیروز شدیم! جمهوری اسلامی زانو زد!

فعالیت های غریبه حسینی در حمایت از کمپین نجات جان حاجیه اسماعیل وند در هلسینگبوری، سوند

اطلاعیه شماره ۱۲ کمپین نجات حاجیه

تظاهرات شبانه در شهرهای سوند و آلمان برای نجات جان حاجیه

مصاحبه رادیو فردا با مینا احدی
مسئول کمپین نجات حاجیه

مصاحبه رادیو یژواک با مینا احدی در مورد کمپین نجات حاجیه

اکسیون اعتراضی سازمان آزادی زن در مقابل ساختمان یوتوبوری پستن <گزارش یوتوبوری پستن>

در گوتنبرگ سوند در اعتراض به حکم حاجیه اسماعیل وند

ترجمه نامه سرگشاده کریم شامحمدی مسئول نهاد کودکان مقدمند- سوند به نخست وزیر سوند، یوران پرشون!

اطلاعیه شماره ۱۱ کمپین نجات حاجیه

ملاقات نمایندگان کمپین نجات حاجیه با نماینده پارلمان اروپا اعلام میتینگ اعتراضی چند نماینده پارلمان اروپا در مقابل سفارت رژیم در برلین

در تظاهرات علیه حکومت اعدام و سنگسار در مقابل سفارت دوشنبه ۲۰ دسامبر ساعت ۱۰

پشتیبانی از کمپین نجات جان حاجیه اسماعیل وند گسترش مییابد

اطلاعیه شماره ۹ کمپین نجات حاجیه از سنگسار - عفو بین الملل هم اعلام کمپین فوری کرد

اطلاعیه شماره ۸ کمپین نجات حاجیه انعکاس مطبوعاتی فعالیتها

اطلاعیه شماره ۷ کمپین نجات حاجیه

روزنامه مترو در کشور سوند کمپین علیه سنگسار حاجیه اسماعیل وند را پوشش خبری داد!

اطلاعیه شماره ۶ کمپین نجات حاجیه - به کمپین نجات حاجیه

کمک مالی کنید!

اطلاعیه شماره پنج کمپین نجات حاجیه کمک کنید حاجیه را از سنگسار نجات دهیم!

۱۶۰۰ نفر طومار اعتراضی را امضا کردند

اطلاعیه شماره ۴ کمپین نجات حاجیه

اطلاعیه شماره ۳ کمپین نجات حاجیه

اطلاعیه شماره ۲ کمپین نجات حاجیه از سنگسار

استقبال وسیع از اعلام کمپین اضطراری نجات حاجیه اسماعیل وند

به حکم سنگسار یک زن در ایران اعتراض کنید!

فقط دو هفته وقت داریم! کمک کنید حاجیه را از سنگسار نجات دهیم

برای امضای طومار اینجا را کلیک کنید

گزارش اعتراضی روزنامه مترو در سوند به حکم سنگسار حاجیه و مصاحبه با فریده آرمان

>> فراخوان به آکسیون امنستی انترناسیونال برای نجات جان حاجیه و توقف احکام اعدام در ایران در نوروز<<

[Irsansk kvinne steines til døde](http://www.irsanskvinnesteines.til.dode.com)

[Amnesty](http://www.Amnesty.org)
International frykter at dommen fullbyrdes før jul
The President of the European Parliament

Only two weeks to save a life!
Sign our online petition
<http://www.PetitionOnline.com/azadizan>

تائید حکم سنگسار حاجیه توسط يك مسنول قضایی، گزارش رادیو فردا

و نقش برجسته حزب کمونیست کارگری ایران در افشای خیر در سطح بین المللی

مصاحبه رادیو فردا با مینا احدی در مورد حکم سنگسار حاجیه

> متن خبر<
و بالاخره بعد از گذشت دو هفته، گفتند که حاجیه را سنگسار میکنند.

یک روز چهارشنبه بود که از جلفا سه نفر به من زنگ زدند و گفتند که دارند زمین را می کنند و دارند همه چیز را آماده میکنند، حاجیه فردا سنگسار میشود. تمام بدنام لرزید، ما با حکومتی فاشیست و وحشی سر و کار داریم که با بیشر می تمام در شهر جار میزند که زمین و قبر یک نفر را می کنند و زنده زنده انسانها را در مرده شویخانه ها می شورند و در کفن می پیچند و سنگسار میکنند. این نه یک داستان و نه یک فیلم مربوط به قرون وسطی این داستان زندگی ما در قرن بیست و یک است. روز چهارشنبه روز اضطراری برای فعالین کمپین نجات حاجیه بود.

پیامی به همه دادیم و از طریق رادیوهای متعدد و از جمله رادیوهای فارسی زبان در سوند مردم را دعوت کردیم همان شب به خیابان آمده و اعتراض کنند. در سه شهر اعتراض شبانه انجام گرفت. در استکهلم راهپیمایی به طرف وزارت خارجه بود و نامه ای به مقامات مسنول داده شد. در کلن میتینگ شبانه در مرکز شهر کلن و در گوتنبرگ میتینگ و مصاحبه با روزنامه محلی شهر یوتوبوری پستن. عصر و شب چهارشنبه ما در عین حال مشغول تماس با پارلمان اروپا و وزارت امور خارجه آلمان و سوئیس و غیره بودیم. این یک نبرد لحظه به لحظه بود. و صبح روز پنجشنبه از سوند پیامی دریافت کردیم که نماینده سازمان عفو بین الملل اعلام کرده است که رژیم اسلامی عقب نشینی کرده و حکم فعلا متوقف شده است.

ما درگیر یک جنگ روزانه با حکومت اسلامی بودیم و سخنگوی دولت حتی در یک گفتگو مجبور شد به سوال خبرنگاران در مورد حاجیه پاسخ بدهد و اعلام کند که این حکم اجرا میشود و سه روز بعد در اثر اعتراضات مجددا به غلط کردیم بیفتد و حکم را متوقف اعلام کند.

شاهرودی قهرمان کدام داستان؟

جمهوری اسلامی ایران در مورد این عقب نشینی ها همواره اعلام میکند که قربانی یک نامه نوشته و شاهرودی آنرا پذیرفته است و در مقابل این

and All Forgiving. He loved his children, all of them and in today's world, that means, ALL the people of this world. To say less is to believe in a lesser, subordinate, insubstantial God.

I am not a very religious person, but it is easy to see that your courts

are not made up of religious people, for they flaunt the very nature of Godliness in the unholy, narrow-minded belief that they are more important than the life of this woman! Only life is HOLY. God gave Life

to the world and it is not for a court of men to take it away, defining extra-marital sex or adultery as punishable by death.

Logic, religion, civility, world-opinion, respect for life and honour, require that you release Ms.

Esmaelvand and other women held for

similar situations. Let the people of Iran know they have a leader in their President, Mr. Khatami, not an ignorant bully.

Respectfully submitted,
Andria Spindel
Canada

Dear Mr. President Khatami,
German newspapers keep telling you are planning the stoning of Mrs. Hajieh Esmailvand - which is very difficult for me to believe, as I was deeply trusting in your commitment on a moratorium against any stoning?! Should the news prove to be true, please accept my deepest wish you'll refrain from such plans and set Mrs. Hajieh Esmailvand free as soon as possible!

Hoping you'll draw back any stoning pending and furthermore hoping for the abolishment of all Sharia-rulings, yours faithfully
N. Klingenberg

Dear Mr. Khatami,
I am writing to express my DISGUST with the behaviour of your country, regarding the atrocities you allow to happen right under your eyes, and with your own consent. I refer first of all to atrocities committed against CHILDREN and WOMEN, as I believe your country to uphold laws that strongly discriminate against members of the female sex mainly. First of all, your country is in breach of human rights. Atrocities which

Juno Sylva Englander
President
Women in Action/Global Mothers Initiative for the Environment and Peace
Vienna, Austria

Mr.Khatami
Prsident of Iran
Dear Mr. President,
You have the truly challenging and historically momentous opportunity to end discrimination, violence, inhumanity and illegality of a practice that is contrary to the human condition. With your powers, and the God of Abraham as your tradition, and mine, you must not allow the stoning to death or injury of Ms. Haiyeh Esmaelvand, or any other woman in your country. Let not Iran continue to be seen as a backward nation; bring it forward into 2005, and do it now please.

The custom of stoning for an act such as extramarital relations is hideous in the extreme. Whatever one might think from a moral, religious or other values-base, it is not okay for a court of law or a court of religion to punish someone in this barbaric manner. Let her destiny be in the hands of God, not man and not a punitive male court. Let not her family avenge their honour, which is trivial in the extreme as compared to her life. Let not the people of Iran witness their government's lack of compassion and forbearance. Let this woman go!
Since ancient times, human beings have been frail, faulty, flawed. God made us this way, and no matter what, the concept of punishment must fit

the crimes or a consequence be a natural outcome of an event. Women are People! Should the act of Ms. Esmaelvand lead to a divorce, that is a natural consequence, but there is no one else that should raise up an eye, let alone a stone in this situation. A true court of law would hold discourse on civil rights, family rights, women's rights. There are no rights more important to guard and only then is God served. You must see God as much larger and more forgiving. From my perspective, the narrow and small view your court has of God is

خانم شما وکیل این زنان هستید که در دنیا شلوغ میکنید. و من پاسخ دادم ما یک کمیته جهانی علیه سنگسار هستیم و وکیل همه زنانی هستیم که به سنگسار محکوم میشوند و در خلوت زندانها با پرتاب سنگ زجر کش میشوند، و او گفت که من یک فرد تحصیل کرده هستم در اروپا درس خوانده ام و خودم میخواهم که به شوهرم خیانت نکنم و اگر زنی این کار را کرد باید مجازات شود. بحث در مورد حاجیه بود و من گفتم شما هر کاری که میخواهید با خودتان و زندگیتان بکنید، ولی رابطه جنسی افراد امر خصوصی آنها است و دولت شما و خاتمی حق دخالت در این مسائل را ندارد چه رسد به مجازات افراد. اینجا قرون وسطی نیست که زنهارا در گودالی فرو کرده و با پرتاب سنگ زجرکش کنید ما دیگر نمیگذاریم این جنایات به راحتی اتفاق بیفتد. و او گفت ما این حکم را اجرا خواهیم کرد و من گفتم می بینیم که چه میشود دولت شما و سران حکومت شما را و ادار به عقب نشینی خواهیم کرد و این زن همکار خاتمی گفت که بیست سال است میگویند حکومت را سرنگون میکنیم، الان هم بگویید حاجیه را نجات میدهیم، ما این حکم را اجرا خواهیم کرد و من گفتم از قول من به خاتمی بگو بچرخ تا بچرخیم. و چند روز بعد حکومت اشان زانو زد. نه فقط در مقابل حکم سنگسار حاجیه، بلکه ما در طول چند سال اخیر هر موردی که را خبردار شده ایم، نگذاشته ایم به مرحله اجرا در آید. فقط سنگسار یک زن و مرد در مشهد که متأسفانه خبرش به بیرون درز نکرد و حدود شش ماه قبل اجرا شد.

نمونه چند نامه دریافتی از سراسر دنیا در اعتراض به حکم سنگسار حاجیه اسماعیل وند :

My dear Mr. President!
I am writing to you as the President of a women's association of peace in Austria.
I am appealing to you, in the name of many women, to stop the stoning of Hajieh. Such deeds are abominable and wrong.
I remain,
Respectfully yours

دروغگویی بیشرمانه ما همواره اعلام میکنیم که یک جنبش جهانی و مجموعه ای از اعتراضات بین المللی باعث میشود که حتی شاهرودی نامه را جدي گرفته و عقب نشینی کند، جنبش جهانی علیه سنگسار جان حاجیه را نجات داد .

اینکه در توضیح نجات جان حاجیه از اجرای حکم سنگسار، وکیل جدید او بهاره دولو که دو هفته است وکالت حاجیه را به عهده گرفته، همین داستان، شفقت شاهرودی را تحویل میدهد. جای بحث فراوان دارد. به ایشان توصیه میکنم که بهتر است برای اظهار نظر دقیقتر از این پس لااقل سـری به

www.google.com زده و اسم حاجیه اسماعیل وند را بنویسد تا مجموعه ای از اخبار و اطلاعات در مورد جنبشی که حکومت را به زانو زدن وادار کرد، ببیند. و اگر برایشان زیاد سخت نیست با مراجعه به صفحات کمیته بین المللی علیه سنگسار <http://www.stopstoningnow.myp> و www.hotos.cc و سازمان آزادی زن <http://www.azadizan.com> و سایت روزنه www.rowzane.com اخبار دقیق را ملاحظه کرده و در اظهار نظر در مورد نجات حاجیه و همه محکومین به اعدام و سنگسار رعایت احتیاط و مهمتر از آن واقعیات را بکنند.

جمهوری اسلامی ایران را فقط یک جنبش جهانی وگسترده و اکتیو توانسته به عقب نشینی وادار کند و نجات جان انسانها نتیجه فعالیتها و دوندگیها و فعالیتهای شبانه روزی صدها نفر در سراسر دنیا است. این جنبش را نمیتوان دور زد و نمیتوان هم به این راحتی مصادره کرد. ما در اینجا تعدادی از نامه هایی که در اعتراض به حکم سنگسار حاجیه برای دفتر خاتمی ارسال شده و رونوشت آن برای ما ارسال شده است را نیز جهت اطلاع عموم چاپ میکنیم. بعد از دریافت این نامه ها از دفتر خاتمی به تلفن دستی من زنگ زدند و یک نفر که گویا همکار و یا سرکتر این دفتر بود از من پرسید:

از صفحه ۱

- پریسا الف. (زندان عادل آباد، شیراز)
 ۲. کبری، ن. (زندان تبریز، تبریز)
 ۳. خیریه، و. (زندان سپیدار، اهواز)
 ۴. ایران، الف. (زندان سپیدار، اهواز)
 ۵. ملک (شمامه) قربانی (زندان ارومیه، ارومیه)
 ۶. حاجیه اسماعیل وند (زندان جلفا، جلفا)
 ۷. صغری مولایی (زندان ورامین، ورامین)
 ۸. اشرف کلهری (زندان اوین، تهران)

۹. فاطمه، (یکی از زندانهای استان تهران)
 ۱۰. زهرا رضایی (زندان رجایی شهر، کرج)
 ۱۱. عبدالله فریور (زندان ساری، ساری)
 ۱۲. نجف الف. (زندان عادل آباد، شیراز)
 دو ماه قبل یک زن و مرد را در مشهد، به نحو دلخراش و وحشیانه ای سنگسار کردند. اکنون در زندانهای ایران ۱۲ نفر، ۱۰ زن و دو مرد در انتظار سنگسار هستند و آمار حتی از این هم بالاتر است.
 کمیته بین المللی علیه سنگسار که یک نهاد و شبکه بزرگ جهانی علیه

سنگسار است، بارها در ملاقات و یا کنفرانسهای مطبوعاتی، خواهان اعمال فشار سازمان ملل و اتحادیه اروپا برای لغو احکام سنگسار و ملغی شدن قانون سنگسار در همه دنیا، شده است.
 اکنون در آستانه کنفرانس مطبوعاتی در محل پارلمان اروپا در روز ۲۱ نوامبر، بر علیه سنگسار در ایران، از شما درخواست داریم که برای نجات جان این افراد و همچنین لغو قانون وحشیانه سنگسار اقدامات لازم را انجام دهید.

با تشکر

مینا احدی هماهنگ کننده
 کمیته بین المللی علیه
 سنگسار
<http://www.stopstoning/now.myphotos.cc>
 ۱۵ نوامبر ۲۰۰۶
minaahadi@aol.com
m

کنفرانس مطبوعاتی در پارلمان اروپا در اعتراض به نقض حقوق انسانی در ایران



در پایان این کنفرانس مطبوعاتی مرکز خبری ایتالیا با مینا احدی مصاحبه کرد. طبق خبری که به ما رسیده است، این کنفرانس مطبوعاتی تا کنون در چند شبکه خبری و از جمله یک روزنامه آلمانی زبان و رادیوی واتیکان در ایتالیا و همچنین رادیو فردا پخش شده است.

کمیته بین المللی علیه
 سنگسار
 ۲۲ نوامبر ۲۰۰۶
minaahadi@aol.com
 تماس تلفن:
 00491775692413



بگیرند. در بخش پرسش و پاسخ خبرنگاران و نمایندگان پارلمان که در کنفرانس حضور داشتند، سوالاتی را مطرح کردند که از جانب سخنرانان پاسخ داده شد. یک تیم از صدا و سیمای جمهوری اسلامی در این کنفرانس شرکت کرده بودند که یکی از آنها در بخش پرسش و پاسخ گفت چرا فقط ایران را محکوم میکنید در حالیکه عربستان سعودی هم سنگسار میکند و ...
 به این فرد که در این کنفرانس با نهایت بیشرمی از جمهوری اسلامی ایران دفاع میکرد، حاضرین پوزخند میزدند و هر سه سخنران پاسخهایی لازم را به این فرد دادند. مینا احدی در پاسخ به این مدافع رژیم اسلامی گفت ما هر کشوری و یا باندي که از سنگسار دفاع کند و آنرا اجرا کند، را محکوم میکنیم. مسئله اینست که جمهوری اسلامی ایران بیشترین سنگسارها را انجام داده است و بهمین دلیل بیشترین نفرت و انزجار متوجه این حکومت قاتل است.

روز سه شنبه ۲۱ نوامبر ۲۰۰۶ به دعوت یکی از نمایندگان پارلمان اروپا و عضو هیئت نمایندگی آلمان، کنفرانس مطبوعاتی به مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان در بروکسل برگزار شد.

در این کنفرانس مطبوعاتی، آنتونین مادلین از فدراسیون بین المللی دفاع از حقوق بشر، فلک ناز اوجا نماینده پارلمان اروپا و مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام و هماهنگ کننده کمیته بین المللی علیه سنگسار حضور داشتند.

در ابتدای این کنفرانس مطبوعاتی فلک ناز اوجا به احکام فزاینده اعدام در ایران و احکام اخیر سنگسار اشاره کرد و این رفتار غیر انسانی و شنیع را بشدت محکوم کرد. او گفت ما نباید در مقابل اعدام و سنگسار کوتاه بیاییم. این احکام و این قوانین باید فوراً ملغی شوند و کنفرانس مطبوعاتی امروز در ادامه قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی ایران از طرف پارلمان اروپا در هفته گذشته است.

سپس آنتونین مادلین از فدراسیون بین المللی حقوق بشر در مورد رفتار ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران در مقابل زندانیان سیاسی و قتل آنها در زندانها، در مورد احکام فزاینده اعدام در ایران و ضرب و شتم و دستگیری وکلای متهمان در زندانها، در مورد نقض حقوق انسانی اقلیتها و اعدام نوجوانان و جوانان در ایران

حرف زد و گفت ایران را یکی از کشورهای معرفی کرد که در آن نقض شدید حقوق انسانی اتفاق می افتد.

پس از او مینا احدی گفت: امروز در ایران ۱۰ زن و دو مرد در انتظار اجرای احکام سنگسار هستند. روز گذشته خبر دار شدیم که مادر چهار کودک در عربستان سعودی به سنگسار محکوم شده است و شش نفر در سومالی در انتظار اجرای حکم سنگسار هستند. او گفت دنیا نباید به این وحشیگری قرون وسطایی عادت کند. مینا احدی گفت، من امروز اینجا نیامده ام که در مورد سنگسار و یا نحوه اجرای آن و یا سرگذشت افراد محکوم شده حرف بزنم، من آمده ام که بگویم ما مدعی و نماینده این افراد هستیم و روی صحبت ما با اتحادیه اروپا و سازمان ملل است که در مقابل این وحشیگری و سببیت غیر قابل تصور بسیار کند عکس العمل نشان میدهند.

سنگسار باید قانوناً در همه جا ممنوع و ملغی شود. و این امر را باید اتحادیه اروپا و سازمان ملل جدی



قربانیان کودک آزاری توران و "که وین" ، از تهران تا برمن آلمان ،مباحثات بر محور چیست؟



توران در بیمارستانی در تهران بستری است و که وین دو ساله اکنون در گورستانی در شهر برمن آلمان آرمیده است. سرگذشت این دو کودک در ایران و در آلمان در رسانه ها منعکس شده است.

یک هفته تمام است که هر روز سري به صفحه اخبار در روزنامه ها در ایران و روزنامه هاي آلمان میزنم و سرگذشت دردناک دو کودک را باهم مقایسه میکنم.

هیچکس نمیتواند گزارشات را بخواند و بغض گلوش را نگیرد.

که وین دو سال داشت و متاسفانه دیگر زنده نیست. عکس کودک رنگ پریده و مغموم و غمگینی را در صفحات روزنامه هاي آلمان می بینید که گزارشات حاکی از آن است که این کودک رنگ پریده را پدرش کشته و چند ماه او را در فریزر خانه نگه داشته است. مادر که وین و پدرش معتاد بودند. مادر یکسال قبل فوت کرده و یا حتی بنا به اخباری توسط پدر به قتل رسیده و بالاخره بعد از مباحثات چند روزه اعلام شد که مردی که او را در خانه کشته است پدر که وین نیست و دوست پسر مادرش بوده است.

توران دختر چهارده ساله ای است که در تهران قربانی کودک آزاری شده است. دختر غمگینی که از شدت درد چشمش باز نمیشود و نمیتواند خوب حرف بزند. او در بیمارستانی در تهران بستری است و تنها و غمگین درد میکشد. صورتش کبود و ورم کرده است و چشمانش به زحمت باز میشود. قرصهاي مسکن قوی به او داده میشود و پزشکان میگویند که فکش شکسته و چندین شکستگی در استخوانهاي بدنش هست. توران ۱۴ ساله ، بعد از جدایی مادر و پدرش، نزد پدر مانده و ده سال با مادر بزرگش زندگی کرده است. بعد از ازدواج مجدد پدرش او توسط

نامادری اش شکنجه شده و امروز در بیمارستان بستری است. پزشکان گفته اند اکنون خطر مرگ توران رفع شده ولی او آثار شدیدی از شکنجه و کتک خوردن بر بدن دارد و طبعاً روانش آسیب شدیدی از اینهمه آزار و شکنجه دیده است.

مباحثات در مورد این دو نمونه جنایت علیه کودکان که فقط نوک کوه یخ کودک آزاری در ایران و آلمان و در دنیا را نشان میدهد، یک جنبه مهم پرداختن به این معضل جانگاز است.

در آلمان ، نگاهها متوجه اداره هاي متعدد، مسئولین امور نوجوانان و کودکان، شهردار و مددکار اجتماعي و غیره است. میگویند چگونه است که پزشک معالج خانواده چیزی نگفته و با این خانواده همکاری کرده است. میگویند اداره مربوط به کودکان و جوانان چرا کاری نکرده است. صحبت از کناره گیری و استعفا مسئولین مربوط به این واقعه است و حداقل نگاهها از چهار دیواری خانه به بیرون نیز معطوف است. نقش اطرافیان، نقش همسایه ها ، نقش ادارات مربوطه، نقش جامعه و نقش دولت در این موارد. کمتر کسی به زوایای پنهان ذهن مرد جنایتکاری معطوف است که معتاد بوده و احتمالاً به دو قتل دست زده است. اینرا به درست افکار عمومی به پروسه رسیدگی قانونی به موضوع سپرده و کمتر در رسانه ها ، فشار اصلی و یا نفرت اصلی معطوف به پدر و یا مردی است که او را کشته است. جامعه از این امر گذر میکند و با فرض اینکه کسانی، و والدینی پیدا شوند که کودک آزاری کنند، در مورد مکانیسم دفاع از این کودکان بحث میکند. نگاهها متوجه سیستم است، سیستمی برای دفاع از کودکان در مقابل والدین خشن، درمانده و بیمار و سادیست و یا والدینی که به هر دلیلی به جنایت دست میزنند.

در ایران نگاهها بیشتر معطوف به چهار دیواری خانه توران است. نامادری که توران را شکنجه کرده است. بنا به تعریف و از همان آغاز محکوم است. نامادری اصلا در ادبیات و فرهنگ عامه "زن بدجنسی" است که بنا به تعریف ظالم است و حکم محکومیت اش از قبل صادر شده است. مادرش که در گزارش بسیار منفی از او حرف زده میشود. زن بی وفایی است که توران را نپذیرفته و او را رها کرده است..... و پدر کارگری است که از صبح تا شب برای یک لقمه نان بخور و نمیر بیرون خانه است.

از دیروز چهار شنبه و بعد از خواندن گزارش روزنامه اعتماد، فکر میکردم کاش با والدین توران ، پدرش و این دو زن کسی حرف میزد. کاش میشد فهمید زندگی اینها چگونه است. و امروز خبرنگار سري به خانه توران زده و گزارش مفصلي در مورد خانه ای که در انتهای یک جاده و در انتهای یک خیابان و در انتهای دنیا قرار دارد نوشته است. دو کودک ۲ و ۴ ساله پریا و پردیس کودکان این زن هستند که با غم و ترس به گوشه ای زل زده اند و میگویند مامان سر توران را به دیوار زد.

و این نامادری تعریف میکند که فرزند یک خانواده پر جمعیت بوده ۱۱ خواهر و برادر و پدرش برای اینکه یک نانخور کم داشته باشد، او را برخلاف میلش به پدر توران میدهد. تفاوت سنی این دو زیاد است. بدري قبلا یک نفر دیگر را دوست داشته و میخواست با او ازدواج کند ولی پدرش به زور او را به پدر توران میدهد. بدري ۱۶ ساله بوده که با پدر توران ازدواج میکند. و اکنون با دو بچه دیگر ، خواهان طلاق از پدر توران است. او میگوید تنها من نبودم که توران را نمیزدم پدرش هم او را میزد.

در خارج از این خانه ای که در انتهای خیابان و انتهای دنیا است، ظاهراً همه چیز به بن بست میرسد. فقر و نادری از سر و روی این خانه می بارد و همه چیز رنگ غم دارد. از این نوع خانه ها و از این نوع پدر و مادرها و از این نوع کودک آزاریها در آن جامعه و با آن شرایط فلاکت بار زندگی ، به وفور یافت میشود. بیرون از این خانه آیا کسی و یا نهادی نبوده و یا موظف نبوده از توران دفاع کند. نهادی و یا موسسه ای و یا دولتی موظف نیست به کودکان رسیدگی کند؟ فقر و نادری و خشونت بر علیه کودکان آیا فقط امری مربوط به چهار دیواری خانه است؟ آیا انگشت اتهام نباید بطرف کسانی و یا نهادهایی و جامعه و دولتی نیز گرفته شود که در مورد خشونت بر علیه کودکان از آن سلب مسئولیت میشود؟ اگر سر این قرقره باز بشود، میتوان فهمید که در این مملکت قانونا کودک را میشود کتک زد و یا حتی او را کشت! زیرا کودک اموال خانواده و بویژه اگر از جنس مونث باشد تا آخر عمر اموال کسی است. این موارد در ایران مثل قانون جاری است.

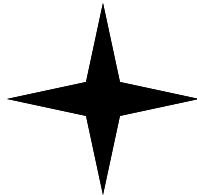
در این مملکت ، کودکان خیابانی در فقر و نادری و در دریایی از خشونت فیزیکی و جنسی در خیابانها پریر میشوند و کسی پاسخگو نیست. در این مملکت ، قانونی وجود ندارد که کودک مستقل از اینکه خانواده اش فقیر و یا غنی باشند حق استفاده از امکانات و رفاه و امنیت جسمی و روحی را داشته باشد. در این مملکت کودک مورد خشونت، نمیداند به کجا پناه ببرد. حقوق و درآمد ویژه ای ندارد و پولی از دولت نمیگیرد. در این مملکت با افکار عقاید و روش

فرهنگ حاکم در آلمان و ایران هست. کل این سیستم را باید زیر ضرب برد.

مینا احدی

۲ نوامبر ۲۰۰۶

minaahadi@aol.com



است. در ایران و در آلمان، با دیدن عکس و با شنیدن سرگذشت این کودکان، دستهای زیادی برای کمک به کودکان در معرض خشونت دراز میشود.

روزنامه اعتماد نوشت که با پخش گزارشی در مورد توران دهها نفر به این روزنامه نامه نوشته و یا تلفن زده و خواهان کمک به او شده اند. وکلا، پزشکان، پرستاران و مردمی که سرپرستی او را میخوانند بپذیرند. این جنبه از گزارش بسیار امیدوار کننده است. مردمی که قلبشان برای انسانیت می تپد و خواهان لغو قطعی کودک آزاری از تاریخ بشری هستند. اما با این وجود هنوز تفاوتی میان

تربیتی که کتک را مجاز میداند، توران ها فراوان هستند....

توران و که وین هر دو قربانیان یک نظام و یک سیستم هستند. نظامی و سیستمی که در آنها جان انسانها بی ارزش است و جان و امنیت و حرمت کودکان بعنوان ضعیفترین و آسیب پذیرترین بخش جامعه بطریق اولی بی ارزش ترین است، از این جنایات به وفور اتفاق می افتد.

دفاع از حقوق کودکان، راه انداختن مباحثات جدی در مورد جوانب مختلف مبارزه با کودک آزاری و نبرد با اشکال پنهان و آشکار کودک آزاری، یک وجه پیشرفت انسانیت

در حاشیه شبهه مصاحبه شهره آغداشلو با

بی، بی، سی

بازگشت به حریم حجاب

بصیر نصیبی



برسد به اینکه هوس بازیگری به سرشان بزند. اگر شوهر داشتند زیر نام همسرشان مخفی شدند. زری خوشکام بازیگر بی پروای سینمای حرفه ای ایران میدل شد به خانم **زهره حاتمی ی خانه دار** تا کمیته ها دست از سرش برداشتند. **گوگوش** خواننده و بازیگر محبوب بعد از رهایی از شر کمیته ها وزندان خودش را درون خانه زندانی کرد/ نام بردن از او در مطبوعات کفر محسوب می شد تا اینکه در دام واواک و مسعود کیمیایی گرفتار آمدو در سایه مسعود و با نام **فانقه کیمیایی** به زندگی اسارت گونه ای ادامه داد تا زمانی که مسعود کیمیایی بعد از لو رفتن طرح همکاریش با باند سعید امامی (برای ساختن فیلمهای سلطان و ضیافت) با برنامه ریزی وزیر ارشاد خاتمی (مهاجرانی) برای خواباندن سرو صدا ها به خارج از ایران ارسال شد

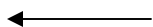
متفاوت بررسی کرده ام والان ضرورتی ندارد که به آنچه گفته ام ونوشته ام دوباره برگردم. فقط برای گشایش بحث اینبارم اشاره ای گذرا به این قضیه را نا مناسب نمیدانم. البته بیشتر به بازیگران زن ایرانی که به تبعید نا خواسته آمده اند تکیه خواهم کرد.

اینرا می دانیم که در طول عمر ننگین ج.ا فشار حکومت به بازیگران زن شدید تر بوده است زنان بازیگر رژیم گذشته از دیدگاه سران و معماران رژیم اسلامی فاحشه ای بیش نبودند که حتا آب تویه و توسل به ضریح امام رضا و سفر مشهد هم نمی توانست گناهان کبیره این فاسدان طاغوتی را شستشود. بازیگران زن در رژیم جمهوری اسلامی که امکاناتی نداشتند تا از چنگال آخوند ها بگریزند و یا نمیخواستند ایران را ترک کنند از هیچگونه تحقیر و توهین مصون نبودند- گویا جسم وجانشان با مهر طاغوت باطل شده بود. اینان جرات زندگی عادی هم نداشتند، چه



سخنرانیها و نوشته هایم داشته ام در کتاب **راه کن از قندهار می گذرد** در نوشتاری با عنوان **بازگشت به چه قیمت؟** این مسئله را از زاویه های

من علاوه بر حرفهای پراکنده ای که در مورد بازگشت خانواده سینمای ایران (کارگردان ، بازیگر، و...) در تبعید به دارالخلافه اسلامی در



و همراه وی گوگوش هم از قفس گریخت اما اینجا تحت نظارت ماموران و اوک همراهش که عنوان برنامه ریزان کنسرت را یک می کشیدند- ابتدا مبلغ خاتمی و باند دوم خرداد شدواز آن پس وی تا مدتها در چنگال و اوک مانند حتا اجازه روی صحنه آمدن هم نداشت تا سرانجام با بوسیدن پرچم سه رنگ شیر خورشید نشان حکم برانتهش را از رادیوتلوویزیون های لوس آنجلسی گرفت و ماندگار شد.

بازیگر فیلمهای فارسی خانم **آفرین** هم خودش را در درون پیچه پبچاند وزیر عنوان **صغرا عبیثی** در یکی دو فیلم ظاهر شد.

فروزان، **پوری بنایی**، **ویدا قهرمانی**، **انر شیوا**، **ایرن** و... که دود شدند و دور شدند.

بازیگران زن میان سال برای بازی در نقش مادر در فیلمهای اسلامی به نوعی تحمل شدند (**نادره**، **شهلا**، **ژاله**...) در میان بازیگران به تبعید آمده، رضا ژبان، محمود استاد محمد، آهو خردمند از نخستین بازیگرانی بودند که به سفارت جمهوری اسلامی رفتند توبه نامه نوشتند و به آغوش اسلام ناب محمدی برگشت داده شدند و بعد سعید راد و همان زمان با او بهروز وثوقی خواستند راهی دارالخلافه بشوند- بهروز پشت مرز ماند و سعید اجازه حضور یافت و بعد از آن - سعید دیگر (کنکراتی) به سعید قبلی پیوست. همه اینها به نوعی چنان وانمود میکردند که با نزول خاتمی شرایط مناسب شده و هنرمندان سابقا تبعیدی ارج و منزلت پیدا کرده اند و از حضورشان استقبال میشود) البته هیچکدام هم موقعیتی نیافتند فقط توسرشان زدند و تحقیرشان کردند) اما بعد از اینکه باند مصباح پادوی ولی فقیه را به صندلی ریاست جمهوری نشانند و صدای وای، وای که مملکت فاشیستی/ امنیتی. طالبانی. نظامی شد همه جا طنین انداخت. همان دوم خردادی های رانده شده بارها از حضور فاشیست ها در صحنه سیاست جمهوری اسلامی نام برده اند - کار به آنجا کشید که رئیس دولت وقت آلمان خانم مرکل) هم احمدی نژاد را هیتلر جدید نامید. در این شرایط برخی بر این تصور بودند که از این پس بازیگران برای سفر به جمهوری اسلامی با مانع بازدارنده ای مواجه خواهند شد. مدتی هم رفت و آمدها متوقف شد اما چندی نگذشت که هوشنگ توزیع بازیگر شناخته شده در تبعید و بازیگر فیلمها و تئاتر های ضد حکومت (... فرستاده. سینما رکس، هردو کار پرویز صیاد) اعلام فرمود که بله سفارت محترم

(حکومت فاشیستی با گشاده رویی توبه وی را پذیرفته و ایشان به دارالخلافه سفر فرموده اندوبعد گفته شد ایشان در تهران هم به یاری **بهمن فرمان آرا** راه برقراری ارتباط را آموخته اندوسر صحنه علی کنکوری) **داریوش مهرجویی** هم حاضر شده و قول و قرار می گذارد که رابطه هنرمندان رژیم را با امریکای قبلا جهانخوار رالبنه با مشورت **عزت الله انتظامی** تنظیم کند. اما مسئله خانواده **توزیع/ آغداشلو** به همینجا ختم نمی شود حالا نوبت خانم توزیع است که راه و روش شوهر راببازماید. کارهای ایشان هم در سالهای تبعید به مانند همسر، برایشان سوءسابقه! ساخته است وی در فیلم شناخته شده **میهمانان هتل استوریا** در نقش یک زن فراری ظاهر میشود و در فیلم دیگری به نام **رها***، نقش زنی بازیگر را بازی می کند که همسرش هنوز اسیر رژیم است و در صحنه های این فیلم رفتار های ارتجاعی حکومت به خصوص حجاب برجسته می شود و در صحنه های دیگر تیرباران مبارزان و جنایت های دیگر حکومت نمایانده می شود. پس موقعیت این خانم به گونه ای بوده که باید کمی بیشتر تامل کند - چون همانگونه که گفتیم بازیگران زن که کارشان را از رژیم پیشین آغاز کرده اند خود به خود در رژیم اسلامی فاحشه محسوب می شند و شایسته سنگسار. اما خانم آغداشلو پرونده فظور تری دارند، ایشان در دوران طاغوت در نقش یک فاحشه اغواگر در فیلم سوته دلان علی حاتمی بازی داشت (با اینکه خود حاتمی بدون مانع در حکومت اسلامی مرتبا فیلم می ساخت اما فیلمهای دوران طاغوتش! و سوته دلان توقیف بود و هست) و در **فیلم گزارش کیارستمی** در صحنه ای در اطاق خواب در کنار کورش افشار پناه غنوده است، در هتل استوریا هم که آقای* رضا علامه زاده با شیوه رایج سینما سکانس شهره درحمام رادر فیلم گنجائیده بود. علاوه بر این- آن خانم متواری در فیلم هتل استوریاکه شهره آغداشلو نقشش را بازی میکرد با چریک متواری هوشنگ توزیع فعل حرام زنا را مرتکب شده است. پس بازگشت بانو توزیع به جمهوری اسلامی کمی تامل میخواید به خصوص که بهروز وثوقی هم وقتی خواست به دامن اسلام برگردد(که البته بد جوری پس زدنش) در گفتگو با مجله فیلم شماره 226 گفت:

من هنوز پیشنهادی از ایران در یافت نکرده ام! - خانم شهره آغداشلو هم در گفتگوی اخیر برای بی، بی، سی می گوید:

در شهر پیشنهادهای نشده است.

بهروز وثوقی می گوید: که برای برگشتن می شود از همه چیز گذشت.

و شهره هم می گوید:
برای بازی در فیلم بزرگانی چون مهرجویی و کیارستمی می شود با اشتیاق به جمهوری اسلامی سفر کرد و فرامین رژیم و حفظ حجاب کامل در فیلم را هم با جان و دل پذیرفت (نقل به معنا) اما چرا شهره مثل هوشنگ بی اطلاع وی سرو صدا به جمهوری اسلامی نمی رود؟ بهمان دلیل که بهروز وثوقی هم مثل هوشنگ نتوانست یواشکی برود و بعد با افتخار انجام سفرش را اعلام کند. اینان (وثوقی، آغداشلو) علاوه بر چراغ سبز باند های شناخته شده رژیم نیاز دارند کمی دایره احتیاطشان را وسیع تر کنند. به خصوص که سفر نا کام بهروز وثوقی با واکنش منفی و شدید برخورد کرد و مجله سینما ویدیو نوشت:

اگر این چهره ها را میخواستیم سینما ها را آتش نمیزدیم و سیف الله داد مسئول امور سینمایی خاتمی با عنوان لطفاً برنگردید نوشت:

این وزارت خانه با هر نوع حرکتی که نشانه عقب گرد سینمای ایران به گذشته باشد مخالفند کسانی مثل بهروز وثوقی و پوری بنایی... (فکر نمیکردند شهره خانم هم چنین هوس هایی بسرش بزند) اگر به این سینما علاقه دارند لطفا برنگردند... آنها این مسیر **ارزش سینما را مخدوش** خواهند کرد (نقل از **روزنامه دوم خردادی حیات نوشماره 29**)

حالاکم کم متوجه می شوید که چرا یکباره بدون هیچ دلیل و مناسبتی خانم شهره یک گفتگوی ویدیویی نمایشی با بی سی ترتیب می دهد؟ بله باید یکبار دیگر رژیم رانتست کنند. البته خانم شهره در این شبه مصاحبه سنگ تمام می گذارد و روی دست همه میانه بازان و فرصت طلبان بلند می شود.

حجاب اسلامی سمبل ارتجاع رژیم است و طول عمر این رژیم زنان ایران علیه این **قانون!** (فرمان) ایستادگی و مقاومت نشان داده اند در هر موقعیتی تنفر و خشم خود علیه این رفتار را اعلام کرده اند حتا بازندان و شکنجه و شلاق و گشت های نارالله و.. رژیم نتوانسته خواست خود را آنگونه که دلخواه آخوندهاست پیاده کند. اما خانم آغداشلو اگر از لطف رژیم بهره مند شود با کمال میل و افتخار می پذیرد که با حجاب کامل اسلامی در فیلمهای جمهوری اسلامی ظاهر شود

و این توجیه را برای تمکین و تسلیم خودش می آورد که چون به حریم حرم (احسنت چه واژه های متداول آخوندی را خوب آموخته است) آن ها وارد می شوند پس رعایت آن فرامین برای شهره خانم

واجب شرعی است.

البته چون سفر **آقاشون** و همچنین قصد سفر **خودشون** هم دوران دولت پرزیدنت احمدی نژاد مربوط می شود دیگر ادعای حمایت از دوم خرداد را نمی توانند بهانه توجیه رفتارشان قرار دهند پس خیلی صاف و پوست کنده به دولت فاشیستی سلام گفته اند. اما چرا خانم شهره با این صراحت فرامین جمهوری اسلامی را قانون می داند و با افتخار برای تقاضای بازگشت خفت بارش دلیل می تراشد؟ چون این ما هستیم که این بازیگر متوسط را به اوج رساندیم و در جریان اسکار دوسال پیش چه جانفشانی ای برای این خانم به خرج دادیم و جایزه وی را افتخار برای همه ایرانیان قلمداد کردیم - رادیو تلویزیون ها چه سرو صدایی به راه انداختند؟ حالا اگر ببینیم که در افتخار دریافت مجسمه اسکار شهره (اگر امکان پذیر می شد) ما هم سهم بودیم آیا از سرشکستگی تکریم و کرنش این خانم به دولت احمدی نژاد سهمی به ما نمی رسد؟ - چرا هیچ صدای اعتراضی از جانب افتخار کنندگان حرفه ای! به گوش نمی رسد، یعنی ما وظیفه داریم برای هنرمندان موقعیتی بسازیم تا نرخشان را برای معامله با جمهوری جهل و خون جنایت افزایش دهیم؟ وقتی آقای هوشنگ توزیع بعد از سفر به جمهوری اسلامی و قول همکاری با هنرمندان سینما و تیاتر حکومتی با گردن افراشته به سرزمین شیطان بزرگ برمی گردد و به همراه بهروز وثوقی با موفقیت تور جهانی می گذارد و هیچ کس به او اعتراضی نمی کند خوب این گونه هنر مندان سازشکار هم به این نتیجه میرسند که مخالفان جدی حکومت ولایت فقیه عملا جمع تاثیر گذاری نیستند- پس چرا شهره خانم بعد از همسر محترمشان با افتخار برای برگشت به جمهوری اسلامی از دولت احمدی نژاد تقاضای عفو نکند و پوزش نخواهد که قانون مترقی! حجاب را 10 سال پیش ارتجاعی ارزیابی میکرده است حالا که امکان فراهم می شود که هم از توبه و هم از آخور تغذیه کنند و محبوبیت هم داشته باشند چرا از موقعیت بهره نبرند؟ شایسته است که خانم شهره هم به آن دو (**بهروز/ هوشنگ**) ببینند و همراه هم نمایشنامه ای را تنظیم ویرای ایرانیان تشنه فرامین جمهوری اسلامی به روی صحنه بیاورند عنوان پیشنهادی ما: **خواهرمن، سند نجابت تو حجاب** توست...
*عکس مربوط به مطلب اینبار نامش زن خانه دار است متاسفانه در آرشیو من نام عکاس هنرمند این عکس ذکر نشده که اگر به من اطلاع دهید در وبلاگ خودم نام وی را اضافه می کنم.